

عصر آزادی

روزنامه فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، ورزشی و سیاسی

صاحب امتیاز: **مؤسسه مطبوعاتی پیمان**

مدیر عامل و مدیر مسئول: **سید فرید پیمان**

رییس هیئت مدیره و سردبیر: **دکتر سید وحید پیمان**

لیتوگرافی و چاپ: **شاخه سبز**

گروه ۴ بنده معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
رتبه:۵۸ امتیاز: ۴۵/۱

نشانی:

تهران – خیابان حافظ نرسیده به زیر گذر حسن آباد – پلاک ۹۷ – طبقه سوم

صندوق پستی:۷۱۸۴–۱۵۸۷۵

آدرس تبریز: خیابان المان،جنب بن بیست یابوری،

ساختن:۵۱ کا ۸۱ طبقه اول

تلفن:۰۲۱–۳۵۵۵۸۴۵۴

مسئول آگهی ها:۴۳۳۰۰۰۴۶۶۰۰۹۱

لینک تلگرام: **https:// telegram.me /asrazadi.ir**

Email: asrazadi۹۸@gmail.com

www.asrazadionline.ir

عکس_مکت ۳۵

ردپای قلمِ من

سهراب مهدی پور



تابلو از زنده یاد آیتاز احمدزاده

روزی شاید بیاید

که عصرهای دم کرده ی دلگیر را

از خیابان ها پاک کنیم

و نگذاریم اشک ها

بیشتر از این پیاده روها را بشویند

پاییز

سهم خود را می تکاند با پنجه های لُختش

تا این سبز سربلند سبک شود

و گنجشک ها بداندن اشک های زرد که از درخت ها می بارند

با هم وزانی کسی ست که دست های خشکش

تیغ زاراند.

تمام دلخوشی ام این است که هنوز

دست های مهربان زیادی به ستاره ها اشاره می کنند

و ماه – این سیپ رسیده ی مُشکِ را–

گواه خوانند گرفت که پنجه پنجه عشق

چنگ می زند رگ های زمین را

که هرچه می بلعد، هنوز گرسنه است!

آه ای جهان منتشر!

ای خاطرات شرحه شرحه ی من!

من با زبان زغال

من با زبان کربن با شما حرف می زنم

با انگشت های پارِیکِ خطوط

با نُشت رنگ

گاهی اما با مشق های ساده و سیاه

تا خود، هر رنگی را که دوست تر دارید

به بوم های زخمی چشم های تان مرهم کنیدا!

از من اگر که می شنوید

ایمان بیابورید به شعله های سبز

که از زهمان خاکستر زاده می شوند

و تا چشم کار می کند

رنگ است و رنگ که موج می زند

دریا را غسل تعمید خواهند داد تا متبرک شود. . .

تمام این حرف ها را

آن پنجه های چنار بر زبانم گذاشتند

رنگ با شما

آهنگ با شما

من دین خود را به نقطه و خط ادا کرده ام

تا جایی که توانستم ام

و تلخیایده، امانم داده اند!

داستان ها، ردپای قلم های من اند. . .

رعنا زارع پور

از مهمترین آیین های آهنگین عاشورایی، روضه خوانی، نوحه خوانی و تعزیه خوانی هستند که همگی از زائرهای مهم موسیقی مذهبی ایران می باشند و به جهت ارتباط ناگسستنی و خویشاوندی عمیقی که بین موسیقی دستگاهی و موسیقی مذهبی به ویژه تعزیه و شبیبه خوانی برقرار است، این گونه های موسیقایی، نقش بسزایی را در تداوم و تکوین ردیف موسیقی کلاسیک ایران داشته و اشعار تعزیه خوان ها بهترین وسیله حفظ و حراست موسیقی ایران در طول دو قرن اخیر بوده و شبیبه خوان ها در نگهداری، انتشار و رواج موسیقی ملی و قدیمی ایران، بیشترین تاثیر را داشته اند. هنر تعزیه در سال ۲۰۱۰در فهرست جهانی میراث فرهنگی ناملموس سازمان علمی، فرهنگی و آموزشی ملل متحد (یونسکو) ثبت شد.

نخستین بارقه عزاداری سیدالشهدا را بعد از واقعه عاشورا در خرابه های شام باید جستجو نمود، هنگامی که رقیه(ع)، اطفال اسیر را گرد خود جمع نمود و در سوگ شهدای کربلا زبان مویه گشود. این جامع میگوید: «جماعتی از شاخ و مکه، مرا روایت کرده اند که ششیده اند که سگینه، دختر امام حسین(ع)، شعی روی نزد ابن سریج (از موسیقی دان های بنام مکه) فرستاد و امر نمود روی آن آهنگی بسازد تا نوحه گران در ماتم ها آن را بخوانند.»

چهار سال بعد از واقعه کربلا، شماری از یاران حسین(ع) که پیش تر از یاری او سربر تافته بودند، با اظهار پشیمانی گرد هم آمده و عهد بستند که به حمایت و تجلیل شهدای عاشورا بر آیند و با انتقام خون آنها از دشمنان، توبه واقعی صورت می گیرد از این جهت به توأین شهرت یافتند. سلیمان بن ضرب و یاراتش که بیش از شش هزار نفر بودند در سال ۶۵قمری، عازم زیارت مزار حسین(ع)شدند و یک شب و روز، صلوات حسین می گفتند و می گریستند و تضرع می کردند. با این کار توأین، دریچه تازه ای را در میان شیعیان گشودند و به تدریج سوگواری بر شهادت و مظلومیت حسین (ع)، ساختاری یکپارچه یافت و هر سال بر ابعاد آن افزوده شد و در بین شیعیان سرزمین های مختلف، بصورت یک آئین مذهبی بدل شد.

با به قدرت رسیدن آل بویه در قرن چهارم، آداب و سنن شیعیان، دامنه بیشتری گرفت و صورت رسمی پیدا کرد. معزالدوله احمدبن بویه، در ماه محرم سال ۳۵۲قمری، دستور داد، بازار بغداد تعطیل و مردم جامه سیاه به علامت عزا بپوشند و در سوگ حسین بن علی، در شهر بگردند و بگریزند. با آغاز حکومت صفویان و رسمی شدن مذهب تشیع در جامعه ایران، زمینه نظم و یکپارچگی افکار عمومی در زمینه مذهبی فراهم و بعدها در دوره قاجار به یکپارچگی سیاسی بدل شد و منشاء تحولات و دگرگونی های سیاسی فراوانی گشت.

در زمان شاه اسماعیل اول، سیاست گذاری بعضی از آداب شیعی و شکل گیری پاره ای از نمایش های مذهبی از جمله مداحی و شمایل گردانی و نیز اجرای سوگواری در ایام ماه محرم و رمضان به طور جدی صورت گرفت و کتاب روضه الشهدای محتشم کاشانی در دوران صفوی به رشته تحریر درآمد. متن کتاب به تدر است و گاهی در بین مطالب آن شعر نیز آمده، هر باب این کتاب به یکی از اهل بلا از انبیا و ائمه و اصفیا و شهدا و احوال آل عبا اختصاص دارد، از باب هفتم به بعد در ارتباط با امام حسین(ع) و ولادت، شهادت و مصائب اوست. مطالب کتاب طوری تالیف یافته که در دوره صفویان، شماری از مداحان به خواندن مطالب آن در محافل مذهبی پرداختند و این شیوه، بعدها به روضه خوانی شهرت یافت و کسانی که آن را می خواندند به روضه خوان معروف شدند. روضه خوانی ذکر وقایع حزن انگیز کربلا است. روضه خوان ها باید از صوتی دلنشین و گوش نواز بهره مند باشند و اگر کسی از موهبت صدای خوش برخوردار نباشد یا وجود تسلط در آواز، هرگز به مقام روضه خوانی، نائل نمی شود و تنها به موعظه می پردازد و واعظ نامیده می شود.

ارتباط نوحه خوانی با آواز ایرانی بیش از روضه خوانی می باشد. نوحه خوانی، علاوه بر تعالی و تکوین ژانر تصنیف در موسیقی کلاسیک ایران، عاملی جهت تقصین و تدار سنت موسیقی دستگاهی و انتقال آن به نسل های بعد گردید. در دوران قاجار نوحه ها را سید مصطفی میرزا کاشانی که فردی ادیب، شاعر، خوش صوت و آهنگساز بوده می سرود. او در زمان ناصرالدین شاه، رئیس تعزیه تکیه دولت بوده است و نوحه های او بعدها توسط علی اکبر شیدا، شاعر و آهنگساز به تصنیف، تبدیل شده است. نوحه هایی که در تعزیه حضرت زهرا(س) در آواز بیات اصفهان، حضرت علی اکبر در آوازهای مخالف و افشاری و حضرت عباس در آواز دستنی ساخته شده بودند با مضمون شعری غیر مذهبی، توسط شیدا، بصورت تصنیف درآمدند.

تعزیه در لغت به معنای عزاداری و سوگواری است و به نوعی مراسم مذهبی اطلاق میشود که طی آن وقایع عاشورا به کمک دو هنر تئاتر و موسیقی به نمایش گذاشته میشود. اوج هنر تعزیه به دوران قاجار بازمی گردد چرا که پادشاهان قاجار به این هنر، توجه بسیار داشتند و به تاسی از آنها اشراف و بزرگان قاجار نیز به آن اهمیت ویژه ای می دادند تا هرچه باشکوه تر برگزار شود. برخی از پژوهشگران، هنر تعزیه را متأثر از هنر تئاتر در غرب می دانند که از دوره قاجاریه با اولین مظاهر تمدن غرب وارد ایران شد و در مراسم مذهبی ایام محرم، به تدریج تبدیل به نوعی سنت شد. بی تردید هنر تعزیه برای رسیدن به شکل کنونی خود در طی قرن ها مسیر پر فراز و نشیبی را پیموده و نقش اشکال آوازی و نمایشی دسته گردانی های دوران های پیش تر، بر روند شکل گیری این آئین، تاثیر گذار بوده است. بهرام بیضایی در کتاب نمایش در ایران در خصوص سیر تطور و تحول تعزیه آورده است:«ابتدا تنها دسته هایی بوده اند که به کندی و نوحه ای نمایشی می گذشته اند و با سینه زدن و زنجیر زدن و کوبیدن سنج و حمل نشانه ها و علم ها و هم سرایی و هم آوازی در خواندن نوحه، ماجرای کربلا را به مردم یادآوری می کردند. در مرحله بعد آوازهای دسته جمعی کمتر و نشانه ها بیشتر و واقعه خوان، ماجرای کربلا را نقل کرده و با سنج و طبل و نوحه آنها را همراهی می کرده اند، چندی بعد شبیبه چند تن از شیدها را به مردم نشان دادند که مصائب خود را شرح می دادند، در مرحله بعدی، گفتگوی شبیبه ها یا یکدیگر مشاهده شد و سپس پیدایش بازیگران و شاید در اواخر دوره صفویه، تعزیه، تحول نهایی خود را طی کرد.»

گزارش میدانی ایرنا از هفته‌ای که سینماها فیلم کم‌دی ندارند؛

بهترین زمان برای فیلم‌بین‌های حرفه‌ای



این روزها، سینمای ایران خالی از آثار کم‌دی است و این، فرصت مناسبی است تا مخاطبان جدی سینما، از فیلم‌های اجتماعی استقبال کنند.

به گزارش خبرنگار سینمایی ایرنا، هم‌زمان با آغاز ماه محرم، نمایش ۴ فیلم کم‌دی در سینماهای سراسر کشور متوقف شد و علاوه بر این، ۷ فیلم قدیمی و آنهایی که مخاطب چندانی نداشتند نیز از برده پائین کشیده شدند تا تمامی ۶۷۰ سالن سینمایی کشور، میان ۸ فیلم اجتماعی و ۱ فیلم کودک تقسیم شوند.

با این شرایط، وضعیت کنونی سینماها، مورد علاقه مخاطبان جدی سینما است و آنهایی که سینما را به دور از هیاهو، تنها برای تماشا کردن فیلم دوست دارند؛ آنهایی که گاهی حتی باز کردن یک جیبی، تمرکز آنها را برای ارتباط با یک اثر بر هم برزند.

به همین منظور، به یکی از پردیس‌های سینمایی تهران

رفتیم تا اوضاع را از نزدیک رصد کنیم.

در این پردیس، برخلاف همیشه، سا جمعیت اندکی از مخاطب مواجه هستیم. در ابتدا به سراغ یکی از بوفه‌داران می‌رویم تا میزان مخاطب را طی روزهای اخیر مشاهده شویم.

آیین تعزیه خوانی و نقش آن در تداوم و تعالی موسیقی کلاسیک ایران



در کنار نقش برجسته آواز در هنر تعزیه، موسیقی سازی نیز حضور جدی دارد و در دوران قاجار به دو صورت اجرا می گردید؛ حالت نخست مربوط به تعزیه هایی بود که پادشاهان قاجار در تکیه دولت برگزار می کردند و جنبه تشریفاتی داشت و توسط دستجات نقره خانه شاهي، ارکستر نظام و سازهای متعدد بادی اجرا می شد. دسته دوم، سازهایی که برخلاف دسته اول به متن و محتوای تعزیه مربوط می شوند و در فضاسازی دراماتیک و تراژدی عاشورا نقش مهمی را بر عهده داشتند؛ شیپور، سرنا، نی لیک، کوس، دهل، نقره، سنج و انواع طبل ها. به عقیده روح الله خالقی، در ابتدا به جنبه آوازی موسیقی در تعزیه توجه می شد و به تدریج، نقره خانه هم وارد این مراسم شد، به طوری که تا چندین دسته موزیک برای این کار تخصیص داده شد تا تعزیه با شکوه و تشریفات بیشتری برگزار شود.

در این نمایش، شبیه خوان ها در دو نقش معصومین و اشقیاء، ظاهر می شوند و شبیه خوان های دسته نخست، تمام دیالوگ های خود را با لحن زیبایی موسیقی بیان می کنند و دسته دوم، برای بیان شکافوت و سنگدلی، لحن ناتراشیده و خشن را به کار می گیرند تا نفرت مخاطبان را برانگیخته کنند.در مکاتب مختلف تعزیه، دستگاه ها و گوشه های آوازی که برای نقش های تعزیه، شبیه خوانی می شوند گاه با یکدیگر اختلافاتی دارند؛

ملا عبدالکریم جناب قزوینی، از استادان موسیقی دوران قاجار بود که علاوه بر تعزیه خوانی در تکیه دولت ناصری در تعیین انتخاب آواز برای برخی از اشعار تعزیه در نقش های مختلف، نقش جدی داشت و دیگر تعزیه خوانان از این انتخاب پیروی می کردند؛ شبیبه خوان امام حسین (ع)، در دستگاه شور،

حضرت عباس(ع)، چهارگاه، حرآزاده، نوا، حضرت مسلم، گبری و حزین، حضرت زینب(س)، بیات ترک را می خواندند. همچنین در تعزیه های دیگری مشاهده شبیه خوانی در دستگاه چهارگاه برای بیان حالت حماسی و رزم آوارانه، دلبری و رادهمردی حضرت ابوالفضل عباس و عراق، در شبیه خوانی، حر و راک عبدالله در شبیه خوانی عبدالله ابن حسن(ع) و گبری در شبیه خوانی حضرت زینب(س)

نیز هستیم. خوانندگانی که شبیبه اهل بیت می شوند باید دارای صوت زیبا و دانش موسیقایی و استعداد بازیگری باشند و کسانی که شبیه مخالفان می شوند نیز باید از نظر قدرت صدا و توانایی حنجره، ادای کلمات و قیافه، واجد توانایی های ویژه ای باشند.

در عهد ناصرالدین شاه، این مراسم با تشریفات و تجملات بسیار برگزار می گردید و از سه ماه قبل از ماه محرم، تعزیه خوان ها آماده می شدند تا با همکاری اساتید موسیقی و شاعران در با شکوه ترین شکل ممکن، نمایش تعزیه را برگزار کنند. ناصرالدین شاه، میرزا نصرالله اصفهانی را که شاعری توانا و فاضل بود و با موسیقی آشنایی داشت را مامور کرد آنچه از اشعار تعزیه از قدیم باقی مانده بود را گردآوری و تکمیل کند و برای نمایش نامه های جدید مذهبی، شعر های متناسب با نوای موسیقی بسراید و شعرهای تعزیه که مطابق لحن، وزن ها و مقام های موسیقی ساخته شده بود به وسیله او که لقب تاج الشعرا را داشت، تکمیل و با نظر استادان موسیقی، ساخته و پرداخته می شد.

در آن زمان، تعزیه دربار در تکیه دولت که وصل به عمارت شمس العماره و کاخ گلستان بود، برگزار می شد، چنانچه در تصویر مشاهده می شود، طاق تکیه با طراحی مهندسان خارجی به شک، منجر به تغییر بسیار زیبا ساخته شده بود. محلی که تعزیه در آن اجرا می شود، مکان بلندی به شکل مدور است که آن را تخت می گویند. هنگام آماده شدن مجلس، شیپور نواخته می شود، اما در تعزیه های تکیه دولت، موزیک نظامی مفصلی اجرا می شد. پس از نواختن موزیک، تعزیه خوان ها با لباس های مخصوص وارد می شوند. تعزیه گردان که به آن در قدیم ناظم البکاه، می گفتند، در ابتدای صف و به دنبال آن، امام خوان، شهادت خوان ها کسی که آن روز تعزیه برای او خوانده می شود، حضرت عباس، مسلم، حر و سپس شبیه خوان حضرت زینب، ام الکلتوم، جوان خوان ها، علی اکبر و قاسم و بچه خوان ها، شبیه سگینه، رقیه، طفلان مسلم، سپس اصحاب محترم و

خدمتگزاران آنها که همگی لباس مناسب از رنگ های سبز و ردا، عمامه، عبا بر تن دارند و در نهایت دسته اشقیاء و مخالفین با لباس هایی به رنگ سرخ زننده وارد می شوند. با اشاره تعزیه گردان، نوازندگان، موزیک مناسب تعزیه را می نوازند، خاندان رسالت با آوازهای زیبا مناسب همان تعزیه، اما مخالف ها بصورت مشاجره و با صداهای خشن یا اشعار ترساننده و آهنگ های ناخوش که حاکی از قدرت جابرانه آنهاست، با یکدیگر گفتگو می کنند. رایج ترین مجالس تعزیه، تعزیه های امام حسین، حضرت عباس، طفلان مسلم، حر، خروج مختار، مجلس یزید، عروسی قاسم و بازار شام است.

همه مردم از غنی و فقیر در مجالس تعزیه شرکت می کردند و در نتیجه بسیار شنیدن شعرها و آهنگ ها آن ها را در خاطر می سپردند و این گونه میراث موسیقی ملی ایران را از نسلی به نسل دیگر منتقل می گردید. از آن جا که خواننده خوش آوازه، تاثیر بهتری بر خوانندگان می گذاشت، بنابراین جوان هایی که صدایی گرم خوش آهنگ داشتند، برای نقش های تعزیه، انتخاب می شدند و نزد تعزیه خوان های استاد که در دستگاه ها، مسلط بودند آموزش می دیدند تا بتوانند اشعار را به ترتیب درست و با کنت که تعزیه های او مناسب ادا کنند. موسیقی کلاسیک ایران و تعزیه خوانی از یکدیگر بسیار تاثیر پذیرفته اند و خوانندگانی در مکتب تعزیه، پرورش یافتند که از آوازخوان های مجرب موسیقی دستگاهی به اقبال السلطان است که در موسیقی و تعزیه شاگرد عبدالکریم جناب قزوینی بوده است. عارف قزوینی نیز از دیگر شاگردان جناب قزوینی بود. سید جواد حسینی در یادنامه استاد ابوالحسن اقبال آذر آورده است: «میرزا حسن ثقفی(حامی اقبال) برای اینکه ابوالحسن با دستگاه های موسیقی ایرانی آشنا شود او را نزد استاد موسیقی عصر، حاجی ملا کریم جناب برد، استاد چون به استعداد و قابلیت نهفته ابوالحسن نورسیده بی برد به تربیت صدای او پرداخت.»

روش اقبال در خواندن آواز مجلسی از سبک تعزیه بهره داشت. ابراهیم بوذری که از خوانندگان تعزیه و از شاگردان اقبال بود بعد از جناب قزوینی، اقبال را در صدر رجال تعزیه می داند و اشاره می کند که تعزیه های او چند مجلس در تکیه دولت و بعضی از تکایای مهم تهران برگزار شد و او هرگز از بابت اجراهای تعزیه، مبلغی را نمی پذیرفت و با اعتقاد و عشق در این مراسم حضور داشت و دریادداشتی با عنوان «تعزیه در ایران و دو مجلس از آن» ضمن اشاره به آموخته های چهل ساله او از تعزیه توسط اقبال السلطان، آورده است:

« تعزیه خوانی امام، عباس، حر، قاسم و علی اکبر هر کدام در یک دستگاه شروع و در تمام تعزیه تا آخر در آوازهای مختلف و موزون خوانده می شد و بعد مرکب خوانی در آوزان و نکر متعدد صورت می گرفت.» آصف زاده به نقل از تعزیه خوانان قدیم قزوین، ذکر می کند که جناب قزوینی سی و سه مقام مهم را به راحتی مرکب می کرد و از متخصصان مرکب خوانی بوده و به شاگردان خود همین اقبال آنها را آموزش داده است. نمونه ای از مرکب خوانی راست در اواخر عمر اقبال السلطان به صورت خصوصی ضبط شده که از انواع مرکب خوانی های قدیم دستگاهی می باشد از مضمون شعری آن چنین بر می آید که این مرکب خوانی با مناسک مذهبی بی ارتباط نبوده است.

راست گویمان حجازی به نوا می گفتند

که حسین کشته شد از جور مخالف به عراق

در این مرکب خوانی، آوازهایی در مایه راست پنجگاه، حجاز، نوا، حسینی، مخالف، عراق و سپس فرود به راست، استادانه اجرا می شود.

حسام الدین سراج در توضیح این آواز می گوید: «در قدیم استادان موسیقی برای تعلیم آواز از اشعار مذهبی استفاده می کردند و خواندن این شعر به صورتی که هر کلمه در گوشه مورد توجه باشد شود بسیار سخت است.»

اقبال السلطان، علاوه بر استادی در موسیقی ردیف آوازی ایران و تعزیه خوانی، بر زائرهای دیگر موسیقی مذهبی از جمله مناجات نیز تسلط تام و تمام داشت؛ ابراهیم بوذری در خاطراتش آورده است:« یک سال، اقبال السلطان از تبریز به تهران می آید و در محله سرچشمه، منزل شیخ محمد بوذری طالقانی، که یکی از شب های ماه مبارک رمضان بود مهمان می شود. هنگام سحر در آن زمان از گلدسته های مدرسه عالی سپهسالار برای بیدار شدن مردم، مناجات افراض دینی و صرف سحری، نتنی چند از خوش صداترین مؤذنان، مناجات سهرمی دادند، ولی آن شب با خواندن مناجات اقبال در مدرسه از پایین گلدسته ها، آن خوانندگان همه ساکت شدند و تنها صدای رسا و خوش اقبال السلطان به گوش مردم می رسید. فردای آن روز تمامی اهالی خیابان های سرچشمه، سیروس، ایران، پامنار، پیراستان، مخبرالدوله و بسیاری خیابان های دور دست دیگر از یکدیگر می پرسیدند راستی کسی بود که سحر این چنین زیبا و عالی، مناجات سر داده بود؟! فقط کسانی که ساکن منزل مرحوم شیخ محمد آقا بوذری بودند می دانستند که صاحب صدای مناجات، اقبال السلطان است»

اغلب خوانندگان و استادان آواز ردیف موسیقی کلاسیک ایران، نیز همچون اقبال، با یک یا چند گونه از موسیقی مذهبی آشنا بوده اند؛ از جناب دماوندی، صفحه ارزشمندی از آنان و مناجات مانده است که احتمالاً ترجمه جملات عربی اذان را اسدالله خان، نوازنده تار قرائت کرده است. محمود کریمی که ردیف آوازی او همچنان مرجع معتبری برای خوانندگان در موسیقی ایران می باشد از شاگردان مکتب جناب دماوندی بود.

از دیگر اساتید آواز ایران که بر روضه خوانی و نوحه خوانی تسلط داشتند می توان به عبدالحسین ترک، شمس کاشانی و سعید کاشانی و حاج تاج نیشابوری که از واعظان صاحب نام اواخر عهد ناصرالدین شاه و اوایل دوره مظفرالدین شاه بوده است اشاره کرد.از اساتید متأخر می توان به سید جواد بدیعی زاده، خواننده و آهنگساز و ردیف دان، اشاره کرد که از کودکی، تعزیه خوان بوده است. ادیب خوانساری که مؤذن مسجد شهر خود بود، تاج اصفهانی که علاوه بر خواندن اذان، قرآن را نیز با زیباترین لحن، قرائت می کرد و پدر او شیخ اسماعیل واعظ اصفهانی از مشهورترین واعظان و روضه خوانان اصفهان بود. همچنین، نیایش ربنای خسرو آواز ایران، محمد رضا شجریان، برگرفته از چهار آیه قرآن از سوره های آل عمران، مومنون، کهف و بقره می باشد که در دستگاه سه گاه اجرا شده و همواره یکی از آثار به یاد ماندنی در ژانر موسیقی مناجات خواهد ماند.

رضاکیانیان:

نمایش خانگی چه گناهی کرده که اینگونه برایش تصمیم می گیرند؟



دره نام پدر ساخته شده‌است؛ این فیلم در نود و سومین دوره جوایز اسکار در شش بخش نامزد دریافت این جایزه شد که دو جایزه اسکار بهترین فیلم‌نامه اقتباسی و بهترین بازیگر نقش اول مرد برای (آنتونی هاپکینز) را به دست آورد. بازیگر فیلم سینمایی کیمیا (احمدرضا درویش ۱۳۷۳) در پاسخ به این پرسش که ترمینات این نمایش چه مدت زمانی طول کشیده است، گفت: ۹ ماه است که درگیر این نمایش هستیم و هر روز تمرین می کنیم. بازیگر فیلم سینمایی اهو (هوشنگ گلמکانی ۱۳۹۶) در پاسخ به این پرسش که فیلم اهو چه مضمونی دارد، گفت: من تدوین شدهٔ ایمن فیلم را ندیده‌ام و به همین دلیل نمی‌توانم در مورد آن اظهار نظر کنم چرا که نمی‌دانم به صورت نهایی چگونه از آب و گل درآمده است؛ ضمن این که این فیلم به دلیل حساسیت‌های کارگردانش چندین و چندبار تدوین شده است.

وی دربراره نقش خودش در این فیلم هم گفت: نقش خودم از همان نقش‌های دیوانه ماندنی است که همیشه بازی می‌کنم و البته نقشی است که تاکنون بازی نکرده‌ام؛ اما نمی‌توانم پیش از این در مورد آن چیزی بگویم تا زمانی که فیلم بیرون نیامده است.

بازیگر فیلم سینمایی «آژانس شیشه‌ای» گفت:

ساترا به جای اینکه به کمک تولید در سینما و نمایش خانگی بیاید در حال تعطیل کردن آن است و سوال اساسی این است که نمایش خانگی چه گناهی کرده است که باید این گونه برایش تصمیم بگیرند؟

رضا کیانیان در گفت‌وگو با خبرنگار سینمایی ایرنا با گلایه از شرایطی که اخیراً از سوی سازمان تنظیم مقررات رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر (ساترا) اعلام شده است، گفت: فیلم‌ها و سریال‌ها به واسطه تصمیمات ساترا در حال تعطیلی هستند و این اقدامات جز بی‌کار کردن بخشی از بدنه سینما تاثیر دیگری ندارد. حالا سوال این است که آیا این بیکاری فایده‌ای هم دارد؟ آن هم در زمانی که دغدغه همه ایجاد کار در کشور است.

ازیگر مجموعه تلویزیونی کلاه پهلوی (سید ضیاءالدین ۱۳۸۳–۱۳۹۱) تاکید کرد: نمایش خانگی با وجود سخت‌گیری‌های بعضی بی‌دلیل ساترا در حال تعطیل شدن است و کار زیادی نداریم که انجام بدهیم. لطفاً دوستان توضیح بدهند سینما چه گناهی کرده که باید این گونه برایش تصمیم بگیرند؟

بازیگر فیلم سینمایی فرش باد (کمال تبریزی ۱۳۸۱) در پاسخ به این پرسش که این روزها مشغول چه کاری است، گفت: یک فیلم درام فرانسوی-انگلیسی به نام The Father با کارگردانی فلوریان زلر که در سال ۲۰۲۰ منتشر شد و فیلمنامه آن بر اساس نمایشنامه سال ۲۰۱۲

این بوفه‌دار به ایرنا گفت: پنجشنبه و جمعه هفته گذشته،

به اندازه‌ای آدم به این سینما آمده بود که اگر سوزن به بسالا می‌انداختی، به پائین نمی‌رسیدی. گویا مردم از طریق رسانه‌ها متوجه شده بودند که دیگر از شنبه، فیلم‌های کم‌دی نمایش داده نمی‌شود و به همین دلیل، استقبال بهتری از فیلم‌ها به نسبت آخر هفته‌های دیگر به عمل آوردند. وی ادامه داد: از شنبه، سینما سوت‌و‌کور شد که این خلوتی، روی فروش ما هم تاثیر گذاشته. شاید باورش سخت باشد اما فیلم‌های کم‌دی، فقط در سینماها مخاطب ندارند بلکه بیشترین میزان فروش ما، بابت نمایش این فیلم‌هاست. مخاطبان فیلم‌های کم‌دی، نقلات بیشتری می‌خرند و حالا که فیلم‌های اجتماعی به روی پرده است، اگرچه در ساعات عصر و شب، با ازدحام کمی مواجه هستیم اما همین میزان جمعیت نیز ترجیح می‌دهند فقط فیلم تماشا کنند و خریدی از ما نمی‌کنند.

رضا که به همراه دوست خود برای تماشای علفزار به این پردیس آمده، به ایرنا می‌گوید: تمایلی به تماشای فیلم‌های کم‌دی ندارم چون معتقد هستم آن چیزی که در ایران تحت عنوان کم‌دی ساخته می‌شود، اصلاً کم‌دی نیست و به همین دلیل، همواره تلاش می‌کنم تا در روزهایی غیر از سه‌شنبه، پنجشنبه و جمعه به سینما بیایم تا با این ازدحام مواجه شوم.

رضا ادامه می‌دهد: اگرچه صنعت سینمای ایران با این

فیلم‌ها می‌چرخد اما به نظر من فیلم‌بین‌های اصیل، تمایلی به تماشای این آثار ندارند و به همین دلیل، سینمای اجتماعی را که طی سالیان اخیر، توفیقات و افتخارات بسیار زیادی در سطح جهان به دست آورده، را برای تماشا انتخاب می‌کنند و به همین دلیل زمان فعلی، بهترین زمان برای فیلم‌بین‌های حرفه‌ای است.